



عوامل خانوادگی موثر بر بازماندگی از تحصیل در ایران: تعامل خانواده و مدرسه؛ راهبردی موثر در مدیریت آن^۱

مریم صداقت^۲

(استادیار گروه آموزش و توسعه پژوهشکده مطالعات توسعه سازمان جهاد دانشگاهی تهران)

sedaghat@acecr.ac.ir

علی میرزائی

(مریی پژوهشی گروه مطالعات اجتماعی و فرهنگی پژوهشکده مطالعات توسعه سازمان جهاد دانشگاهی تهران)

mirzaee@acecr.ac.ir

چکیده

پژوهش‌های متعدد، خانواده را به عنوان عاملی مهم در بازماندگی از تحصیل معرفی کرده‌اند. هدف از این مطالعه نشان دادن و تمرکز بر عامل خانوادگی و چگونگی برهم کنش متغیرهای مختلف در بستر خانواده و تاثیر آن بر بازماندگی از تحصیل و همچنین تقویت نهاد خانواده و جلوگیری از تاثیر آن بر بازماندگی از تحصیل از طریق تعامل سازنده بین خانواده و مدرسه است. این پژوهش به روش کیفی و با انجام مصاحبه با متخصصان، دست اندرکاران، والدین و کودکان بازمانده از تحصیل در استان‌های سیستان و بلوچستان، خوزستان، آذربایجان غربی، کرمان و تهران و تحلیل مضمون به انجام رسید. نتایج نشان دادند که خانواده از طریق مسائل اقتصادی، مسائل فرهنگی و ساختار موجب بازماندگی از تحصیل می‌شود. هر یک از این مولفه‌ها خود از چندین زیرمولفه تشکیل شده است. تعامل خانواده و مدرسه را می‌توان راهبردی موثر در شناسایی کودکان در معرض بازماندگی و پیشگیری از این پدیده دانست. این راهبرد جز با برنامه‌ریزی‌های دقیق و مشارکت دستگاه‌های اجرایی ذیل یک سیاست‌گذاری واحد محقق نمی‌شود.

کلیدواژگان: بازماندگی از تحصیل، عوامل خانوادگی، تعامل خانواده و مدرسه

۱. مقاله حاضر برگرفته از پژوهشی است با عنوان «تبیین بازماندگی از تحصیل در ایران: شناسایی عوامل، شیوه‌های پیشگیری، جذب و بازجذب کودکان بازمانده از تحصیل به نظام آموزشی» که در پژوهشکده مطالعات توسعه جهاد دانشگاهی تهران و به کارفرمایی معاونت امور علمی، فرهنگی و اجتماعی سازمان برنامه و بودجه کشور طی سال‌های ۱۳۹۷ و ۱۳۹۸ توسط نویسندگان انجام شده است.

۲. نویسنده مسئول



فراخوان مقاله:
نخستین همایش بین المللی

تعالی تعاملات خانواده و مدرسه

چالش ها، الگوها و راهبردها

ISC
کتابخانه تخصصی
۰۲۲-۸۱۷۸۱
مهلت ارسال مقالات: ۱۴۰۲/۰۹/۳۰

مقدمه و بیان مساله

تحصیل کودکان در همه جوامع، حائز اهمیت است. سواد در سطوح مختلف زندگی روزمره افراد، شغل، آگاهی نسبت به شرایط، بزه کاری، زندگی خانوادگی، سبک زندگی و سرمایه فرهنگی و اجتماعی به قدری مؤثر است که ریشه کنی بی سوادی گاهی مستقیماً منجر به کاهش مرگ و میر، بیماری، بزه کاری و خشونت های خانوادگی و اجتماعی می شود. از این رو جوامع گوناگون نسبت به امر سوادآموزی حساسیت نشان می دهند و در پی یافتن راه چاره برای کاهش بازماندگان از تحصیل هستند (تورانی و عارف نژاد، ۱۳۹۶: ۳۲).

بازماندگی از تحصیل یکی از موانع مهم توسعه اجتماعی و اقتصادی کشور است که بخش قابل توجهی از کودکان و نوجوانان را در مناطق مختلف دربرمی گیرد. ترک تحصیل زودهنگام یک حادثه ای "زودرس کاذب" است که نوجوان را زودتر از موعد درگیر نقش های بزرگسالی می کند (پیرسون، نیوکومب^۱، به نقل از اقدسی و فام، ۱۳۹۱). روان شناسان و متخصصان آموزشی بر این باورند که کودکان و نوجوانان باید تا آنجا که می توانند در سنین ۶-۱۸ سال یعنی سنین رشد، وقت و انرژی خود را در محیط آموزشی بگذارند (دانش خانه، ۱۳۸۰). با وجود تلاش های گسترده در دهه های گذشته در ایران برای گسترش و همگانی سازی آموزش کودکان و تصویب و اجرایی کردن سند ملی «برنامه آموزش برای همه» و «سند انسداد مبادی بی سوادی»، و... هنوز تا نقطه مطلوب فاصله داریم و شاهد این مدعا آمار کودکان خارج از مدرسه است که اگرچه در خصوص تعداد دقیق آنان منابع گوناگون اتفاق نظر ندارند^۲، اما براساس سرشماری سال ۱۳۹۵ بیش از ۱ میلیون و ۷۰۰ هزار کودک ۶ تا ۱۸ سال در سن تحصیل، خارج از مدرسه هستند. گزارش مرکز پژوهش های مجلس شورای اسلامی در سال ۱۴۰۱ نیز حاکی از این است که در سال تحصیلی ۱۴۰۰-۱۴۰۱ بیش از یک میلیون و یکصد و نود هزار نفر در سنین ۶ تا ۱۷ سال از تحصیل بازمانده اند.

بازماندگی از تحصیل مسئله ای چند وجهی و چندلایه است که گاه بر اثر تلاقی چند عامل به وجود می آید. مروری بر تحقیقات پیشین نشان از وجود عوامل متعدد آموزشی، فرهنگی، اقتصادی مؤثر بر بازماندگی از تحصیل دارد (مهران، ۱۳۷۵؛ بلوچ زهی، ۱۳۹۵؛ عارف نژاد، ۱۳۹۵؛ اقدسی و زینال فام، ۱۳۹۱؛ وایت^۳ و همکاران، ۲۰۱۳؛ یولینا یوآنا^۴

^۱ . Pearson, S. B., & Newcomb, M. D. (2000)

^۲ . یکی از اصلی ترین چالش های این حوزه، فقدان آماری دقیق، شفاف و جامع از دانش آموزان بازمانده و تارک از تحصیل است.

^۳ . Witte Et Al

^۴ . Iuliana Ioana



فراخوان مقاله:
نخستین همایش بین المللی

تعالی تعاملات خانواده و مدرسه

چالش ها، الگوها و راهبردها

ISC
کتابخانه تخصصی
۰۲۳-۸۱۷۸۱

مهلت ارسال مقالات: ۱۴۰۲/۰۹/۳۰

و همکاران، ۲۰۱۵؛ علی خان^۱ و همکاران، ۲۰۱۱؛ محمودیان و امیری، ۱۳۸۵ و...). همچنین نتایج پژوهش‌های انجام شده در ایران به طور مستقیم و یا غیرمستقیم به عامل خانوادگی و نقش آن در مساله بازماندگی از تحصیل اشاره کرده‌اند (مهران، ۱۳۷۵؛ اقدسی و زینال فام، ۱۳۹۱؛ بلوچ زهی، ۱۳۹۵؛ سپیدنامه، ۱۳۹۵؛ عارف نژاد، ۱۳۹۵).

عوامل مرتبط با خانواده را می‌توان در قالب سه عامل اقتصادی، جهت‌گیری فرهنگی خانواده و ساختار ترکیب خانواده مورد بررسی قرار داد. فقر به عنوان یکی از مهم‌ترین علل ترک زود هنگام مدرسه در نظر گرفته می‌شود (برونفورث، ۲۰۰۶؛ کاردوسو و ورنر، ۲۰۰۷، نقل شده در سوئنس، ۲۰۱۲). بررسی گزارش‌های یونسکو نیز نشان می‌دهد که کودکان بیشتری از خانواده‌های فقیر مدرسه را دیر شروع می‌کنند چرا که معمولاً آن‌ها در فاصله‌ای دور از مدرسه زندگی می‌کنند، وضعیت سلامت و تغذیه بدتری دارند و یا والدین‌شان از اهمیت فرستادن کودکان به مدرسه در زمان مقرر، کمتر آگاهند (یونسکو، ۲۰۱۲). در خانواده‌های فقیر، نیاز به کار خانگی، کودکان را از رفتن به مدرسه باز می‌دارد (کومار و همکاران، ۲۰۱۷). کیفیت پایین مسکن و محله سکونت در خانواده‌های فقیر (محمودیان و امیری، ۱۳۸۵)، اجبار به کار فرزندان برای کمک به اقتصاد خانواده (عارف نژاد، ۱۳۹۵؛ سیف، ۱۳۸۷؛ عسگری و محقق، ۱۳۸۲)، ناتوانی خانواده در تامین هزینه‌های تحصیل، خستگی جسمی ناشی از کار در مزرعه و اجبار به مراقبت از فرزندان کوچک خانواده (عارف نژاد، ۱۳۹۵) همه از متغیرهایی هستند که به واسطه فقر خانواده شکل می‌گیرند و مانع ادامه تحصیل فرزندان می‌شوند.

جهت‌گیری فرهنگی خانواده نیز بر ترک تحصیل فرزندان و مساله بازماندگی از تحصیل موثر است. این جهت‌گیری شامل ابعادی مانند تحصیلات والدین (محمدی، ۱۳۸۱؛ محمودیان و امیری، ۱۳۸۵؛ بلوچ زهی، ۱۳۹۵؛ رامبرگر^۲، ۲۰۱۱؛ رامبرگر و لیم^۳، ۲۰۰۸)، نحوه ازدواج دختران در خانواده، هزینه تفریحات و خدمات فرهنگی در خانواده (محمودیان و امیری، ۱۳۸۵)، عدم آگاهی والدین از اهمیت تحصیل فرزندان به ویژه تحصیل دختران (جاستاس، ۲۰۱۵)، بی‌توجهی به مسائل آموزشی فرزندان (بلوچ زهی، ۱۳۹۵)، وجود تعصبات سنتی و قومی به ویژه در مورد دختران و تبعیض بین دختر و پسر (بلوچ زهی، ۱۳۹۵، داودی نومندان، ۱۳۸۴،

1. Ali Khan Et Al

2. Kumar Et Al

2. Rumberger

3. Lim



تعالی تعاملات خانوادہ و مدر

چالش، الگو، و راه‌سبده

فراخوان مقاله:
نخستین همایش بین‌المللی



مهلت ارسال مقالات: ۱۴۰۲/۰۹/۳۰

سپیدنامه، ۱۳۹۵)، عدم ارتباط بین والدین و مدرسه (امجدیان و سیدی، ۱۳۸۰)، فقدان روابط حمایتی خانواده‌ها نسبت به فرزندان (دی و همکاران، ۲۰۱۲) می‌باشد.

برخی متغیرهای خانوادگی موثر بر بازماندگی از تحصیل، به ساخت و ترکیب خانواده مرتبط است. در خانواده‌هایی که فقدان یکی از والدین رخ داده است، احتمال ترک تحصیل بالاتر بوده است (اقدسی و زینال فام، ۱۳۹۱؛ جاستاس، ۲۰۱۵؛ علی خان و همکاران، ۲۰۱۱). از دیگر متغیرهای مربوط به ساختار خانواده که بر ترک تحصیل فرزندان موثر شناخته شده است وجود اختلافات خانوادگی (بلوچ زهی، ۱۳۹۵)، سن والدین (دشتی، ۱۳۸۸)، اعتیاد والدین (اقدسی و زینال فام، ۱۳۹۱؛ کومار و همکاران، ۲۰۱۷) می‌باشند. تغییرات مختلف در ساختار خانواده مانند طلاق، جدایی، فوت همسر، جابه‌جایی خانواده همه متغیرهایی هستند که تغییر در ساختار خانواده را تعریف می‌کنند و آن را از یک خانواده هسته‌ای به یک خانواده تک‌والدی یا رضاعی^۱ تبدیل می‌کنند این تغییرات برای همه اعضای یک خانواده بسیار استرس‌زاست و واقعیتی است که نرخ ترک تحصیل را افزایش می‌دهد (بابالیس^۲، تسلی^۳، نیکولوپولوس^۴، و مانیاتیس^۵، ۲۰۱۴). ترکیب خانواده و کثرت تعداد افراد خانواده (اقدسی و زینال فام، ۱۳۹۱؛ محمودیان و امیری، ۱۳۸۵) نیز به طور ویژه در مساله بازماندگی از تحصیل نقش ایفا می‌کنند. هرچه اندازه خانواده کوچکتر باشد، شانس فرزندان برای رفتن و ماندن در مدرسه بیشتر است. خانواده با تحلیل هزینه فایده به بررسی این امر می‌پردازد که با توجه به توانایی‌های فردی، سطح و نوع آموزش‌ها، هزینه‌های مستقیم و غیرمستقیم آموزش و امکان اشتغال پس از آموزش و سایر موارد، صلاح است کدام یک از فرزندان به مدرسه فرستاده شود. نکته مهم در اینجا، ترکیب خانواده است (آتشک، ۱۳۸۸: ۷۶-۷۷). محققانی که سهم اندازه خانواده را به عنوان یک متغیر مورد مطالعه قرار داده‌اند (هاومن، ولف، و اسپولدینگ، ۱۹۹۱؛ الکساندر، انتویسل، و هورسی، ۱۹۹۷؛ گارنیر، استین، و جاکوبز، ۱۹۹۷) به این نتیجه رسیده‌اند که کودکان از خانواده‌های پرجمعیت به احتمال زیاد در مقایسه با خانواده‌های کوچکتر مدرسه را زودتر ترک می‌کنند (اسگود و همکاران، ۲۰۱۰؛ اسنایدر و دیلو، ۲۰۱۱).

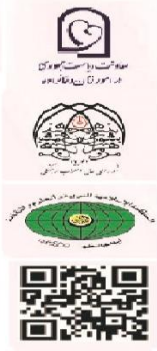
¹ . Foster

² .Babalis

³ .Tsoli

⁴ .Nikolopoulos

⁵ .Maniatis



تعالی تعاملات خانوادہ و مدر

چالش، الگو، و راهبردها

فراخوان مقاله:
نخستین همایش بین المللی



مهلت ارسال مقالات: ۱۴۰۲/۰۹/۳۰

ملاحظه می شود که خانواده به عنوان یک عامل مهم از طرق گوناگون بر بازماندگی فرزندان از تحصیل اثر می گذارد. مسائل اقتصادی در خانواده مهم ترین متغیر اثرگذار است. فقر خانواده و ناتوانی در تامین هزینه های تحصیل، کار کودک، محل سکونت و بعد مسافت خانه از مدرسه مواردی است که ذیل مسائل اقتصادی می توان به آن اشاره کرد. از سوی دیگر فرهنگ خانواده و جلوه های آن مانند میزان تحصیلات و آگاهی والدین، نگرش های سنتی نسبت به تحصیل به ویژه در خصوص دختران و ازدواج های زود هنگام و فقدان حمایت کافی والدین از فرزندان و رشد آنها نیز در بازماندگی از تحصیل فرزندان نقش آفرین است. در کنار مسائل اقتصادی و فرهنگی خانواده، ساختار و ترکیب خانواده نیز در پژوهش های مختلف مورد اشاره قرار گرفته اند. در خانواده هایی که ساخت خانواده به علل مختلف مانند اعتیاد، طلاق، ترک دچار آسیب شده است، آسیب پذیری افزایش یافته و فرزندان در معرض بازماندگی از تحصیل قرار می گیرند. تعداد فرزندان نیز در بستری که خانواده با مشکلات اقتصادی دست و پنجه نرم می کند به عنوان عامل ثانویه در ترک تحصیل فرزندان نقش بازی می کند. همانگونه که می دانیم امر تحصیل از دو ضلع خانواده و مدرسه به عنوان عرضه کننده خدمات آموزشی تاثیر می پذیرد و نقشی که مدرسه در کیفیت و کمیت آموزش ایفا می کند در تصمیم دانش آموز و خانواده وی به ادامه یا ترک تحصیل فرزندان حائز اهمیت است. در مطالعات مختلف نیز توافق وجود دارد که نقش والدین در رشد و توسعه آموزشی فرزندان خود بسیار مهم است و نتایج تحصیلی بهتر از طریق همکاری بنیادی خانواده و مدرسه تقویت می شود (فن و چن^۱، ۲۰۰۱؛ اسپرا^۲، ۲۰۰۵؛ استون^۳، ۲۰۰۶؛ جینز^۴، ۲۰۰۷؛ رامبرگر، ۲۰۱۱؛ زانتاکو^۵، بابالیس، و استاورو، ۲۰۱۳).

از این رو به نظر می رسد تقویت ارتباط این دو نهاد تاثیرگذار و هدف گرفتن متغیرهای بازیگر به کاهش بازماندگی از تحصیل کمک کند. آنچه در این پژوهش مورد تاکید است شناسایی عوامل خانوادگی موثر در ایران و مقابله با آن از طریق ارتباط مناسب و موثر مدرسه با خانواده و توانمند ساختن خانواده است.

1 . Fan & Chen

2 . Spera

3 Stone, 2006; , 2007; Rumberger, 2011; , 2013).

4 . Jeynes

5 . Xanthacou, Babalis, & Stavrou



فراخوان مقاله:
نخستین همایش بین المللی



مهلت ارسال مقالات: ۱۴۰۲/۰۹/۳۰

اهداف پژوهش

هدف اصلی این پژوهش شناسایی و معرفی عوامل خانوادگی موثر بر بازماندگی از تحصیل کودکان در ایران، و همچنین ارائه راهکارهای پیشگیرانه از ترک تحصیل کودکان و بازماندگی آنان از تحصیل با بهره‌گیری از تعامل موثر خانواده و مدرسه می‌باشد.

فرضیه‌ها (یا سؤال‌های) پژوهش

سوالات این پژوهش عبارتند از:

- عوامل خانوادگی بازماندگی از تحصیل چیست؟
- خانواده چگونه موجب بازماندگی فرزندان از تحصیل و یا ترک تحصیل آنان می‌شود؟
- چگونه می‌توان از طریق تعامل مدرسه با خانواده نرخ بازماندگی از تحصیل را کاهش داد؟

روش پژوهش

پژوهش حاضر با بهره‌گیری از روش کیفی و استفاده از مصاحبه‌های نیمه‌ساختاریافته در استان‌های تهران، کرمان، خوزستان، آذربایجان غربی و سیستان و بلوچستان بازماندگی از تحصیل را بررسی کرده است. شرکت کنندگان در این پژوهش جمعاً ۱۸۳ نفر از افراد درگیر در امر بازماندگی از تحصیل و آشنا به مسائل آن حوزه شامل مجموعه‌ای از مدیران آموزش و پرورش، معلمان، مسئولین بهزیستی، فعالان مدنی حوزه کودکان و آموزش و همچنین افراد بازمانده از تحصیل و خانواده‌های آنان بودند. منطق نمونه‌گیری به صورت هدفمند و در دسترس بوده است. با تمرکز بر الگوی تحلیل مضمون به صورت کیفی تلاش کردیم که مفاهیم و مضامین اصلی را استخراج کنیم و آن‌ها را در قالبی مفهومی تشریح نماییم. به این منظور با بررسی محتوایی و مضمونی مصاحبه‌های صورت گرفته برای هر مصاحبه مفاهیم کلیدی استخراج شدند.

یافته‌های پژوهش

در این قسمت، یافته‌های پژوهش (مربوط به عوامل خانوادگی بازماندگی از تحصیل کودکان) که برگرفته از تحلیل مصاحبه‌های انجام شده با گروه‌های مختلف درگیر در امر بازماندگی از تحصیل (مدیران آموزش و پرورش چند استان درگیر، معلمان، فعالان سازمان‌های مردم نهاد مرتبط با موضوع، کودکان بازمانده و خانواده‌های آنان) ارائه می‌شود.

تعالی تعاملات خانواده و مدرسه

چالش ها، الگوها و راهبردها



مهلت ارسال مقالات: ۱۴۰۲/۰۹/۳۰

۱- مسائل اقتصادی

۱.۱- سطح معیشتی خانواده

قرار گرفتن در معرض محرومیت‌های شدید به نوعی که واحد خانواده در محرومیت مطلق قرار گیرد خواه ناخواه اولویت‌بندی‌ها را تغییر می‌دهد. اگرچه مطابق با اصل ۳۰ قانون اساسی تحصیل رایگان است اما در عمل ناکارآمدی نظم اقتصادی حاکم بر آموزش و پرورش موجب می‌شود بخش بزرگی از هزینه‌های مدارس از طریق کمک‌های اولیا تأمین شود به شکلی که کمک‌های مالی اولیاء بدل به پاره‌ای جدایی‌ناپذیر از سیستم اداره اقتصادی آموزش و پرورش شده است. نتیجه این پارادوکس ساختاری (تحصیل رایگان و تأمین بخشی از هزینه مدارس توسط اولیاء) تولید مجموعه‌ای از آسیب‌دیدگان و طرد شدگان است که به خاطر عدم استطاعت مالی یا مدرسه را باید رها کنند و یا بودنشان در مدرسه همراه با احساس تحقیر و طرد خواهد بود. یکی از مدیران سمن‌ها می‌گوید:

«۳ بار معلم گفته جشن تکلیف باید ۶۰ تومن بیاری، اون یکی گفته ۷۰ تومن بیار. دیگه بچه میبینه نمیتونه توی

این فضا چیزکنه، ترک تحصیل کرده. یعنی یکی از دلایل بازماندگی از تحصیل، فقره. حالا این فقر میتونه هم

فقر فرهنگی و مادی باهم باشه. هم فقط فقر اقتصادی باشه.»

یکی از مادران در توضیح مشکلات فرزندش چنین می‌گوید:

«حتی بچه‌ام کفش نداره سرکار میره. کفش نداره پاش کنه. یعنی کفشه آگه الان اینجا بود من میاوردم شما

میدیدین، کفش نداره پاش کنه. هرروز اینو کلاتری میگیره باز میرم میگم از خدا بترسید. من مجبورم اینو از مدرسه

درآوردم. بخاطر پول. نیاز دارم. هیچی ندارم. گفتم مدرسه بره درس بخونه من چی بخورم. شوهرم معتاده.»

ناکارآمدی سیستم حمایتی آموزش و پرورش در مواجهه با کودکان خانواده‌ها و اقشار فقیر موجب می‌شود

که آموزش و پرورش خودش بدل به نهادی در جهت بازتولید نابرابری‌ها شود. غایت آرمانی آموزش و پرورش

همه‌گیر کاستن از نابرابری در دسترسی به آموزش و امکان‌های ارتقا در سلسله‌مراتب اجتماعی است. بدل شدن

آموزش به یک کالای قابل خرید فروش از یک سو، و طرد نظام‌مند قربانیان تولد ناخواسته از دیگر سو موجب

می‌شود که خود آموزش و پرورش بدل به نهادی مولد نابرابری شود.

۲.۱- مهاجرت

پدیده مهاجرت و حاشیه‌نشینی نیز ذیل مبحث فقر و نابرابری اقتصادی از زمینه‌های بازماندن از تحصیل است.

مهاجرت به کلان‌شهرها و جدا شدن از بستر هویتی و فرهنگی سرزمین مادری زمانی که با فقر و سایر معضلات

زندگی در کلان‌شهرها عجین می‌شود (من جمله حاشیه‌نشینی و بیکاری) نوعی از هویت‌زدودگی و از دست دادن

پیوندهای اجتماعی را به همراه خواهد داشت. فقدان حمایت‌های غیررسمی در بستر زیستن در کلان‌شهرهایی

تعالی تعاملات خانواده و مدرسه

چالش ها، الگوها و راهبردها



مهلت ارسال مقالات: ۱۴۰۲/۰۹/۳۰

چون تهران مدرسه را بدل به فضایی غیرمفید برای کودکان چنین خانواده‌هایی می‌کند. بخش بزرگی از بازماندگی از تحصیل در مناطق حاشیه‌نشین مطابق گزارش‌ها با مهاجرت نسبت دارد. به عبارت دیگر فرزندان خانواده‌های مهاجر فاقد درآمد در معرض انبوهی از آسیب‌ها قرار می‌گیرند من جمله بازماندگی از تحصیل. زنجیره‌ی علی که مسئله مهاجرت را بدل به یک مسئله قابل بحث در پدیده بازماندگی از تحصیل می‌کند، شاید بدین ترتیب باشد: در سطح کلان توسعه مرکزگرا و بحران‌های زیست محیطی در قالب خشکسالی و... زیستن در سرزمین مادری را ناممکن می‌کند. رفتار مهاجرتی در نتیجه چنین بحران‌هایی انتخابی منطقی برای افراد است. وارد شدن به محیط کلان‌شهر و مجموعه جدیدی از روابط اقتصادی و اجتماعی گم‌گشتگی عمیقی برای مهاجران فقیر به بار می‌آورد. مسئله ملک و مسکن و گرانی مفرط آن خانواده‌های اینچینی را در یک مکانیسم نزول اجتماعی قرار می‌دهد و وارد شدن به مناطق حاشیه‌ای پیامد منطقی این روند است. نفس ورود به این مناطق مجموعه بزرگی از مکانیسم‌های خشونت، آسیب اجتماعی، مدارس بی کیفیت و... را فعال می‌کند و یکی از نتایج منطقی این تحرک نزولی در ساختار می‌تواند مسئله بازماندن از تحصیل باشد.

اشارات متعدد در مصاحبه‌های مختلف در استان‌های سیستان و بلوچستان، کرمان و خوزستان به مسئله خشکسالی و خشک شدن تالاب‌ها و از بین رفتن بستر کار و فعالیت اقتصادی نشانگر عمق این پدیده است. یکی از فعالان سمن‌ها در خوزستان چنین می‌گوید:

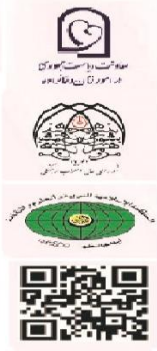
یک خانواده رو من رفتم، خیلی حاشیه بودن اینها توی خونشون، دیوار نداشت خونشون. تو شهر اهواز، تو شهر پردرآمد اهواز، ما شهرمون پر درآمده. ما خیلی مهاجر داریم توی اهواز. خونشون دیوار نداشت. بلانست شما، بیخشید، توال نداشت.

یکی از مدیران آموزش و پرورش در استان سیستان و بلوچستان در باره اینکه خشکسالی بستری را برای مهاجرت و فقر فراگیر و... فراهم می‌کند و در سطوح خرد گریبان کودکان را می‌گیرد، می‌گوید.

ریشه‌ی اصلی، همین خشکسالیه که پیش اومده. خشکسالی باعث شد که تعدادی نتونن هزینه کرد زندگی خودشون رو انجام بدن و تعدادی از این افراد مهاجرت کردن از سیستان. و اسمشون توی لیست هست. توی لیستی که اعلام کردن. مثلا هر ساله اعلام میکنن که این تعداد، بازمانده هستن. این تعداد رو شما جذب بکنید. حالا ما میایم بررسی میکنیم یکی یکی. می‌بینیم که اینها نیستن که ما جذبشون بکنیم. مهاجرت کردن.

همچنین یک کارشناس آموزش و پرورش در کرمان چنین می‌گوید:

یکی از چیزایی که تشدید میکنه در استان ما خشکسالیه، مردم مهاجرت می‌کنند میان توی منطقه‌ای، تو این منطقه میاد میبینه که مثلا مدرسه نداره، باید به سرویس بگیره بره مثلا روزانه به مبلغی پول بده تا بتونه بره مثلا بره به اولین مدرسه برسه، خب خانواده‌ای که درآمد کافی نداره طبیعتا از اولین چیزی که میزنه چیه؟ همینه اون که نمیتونه از



فراخوان مقاله:
نخستین همایش بین المللی

تعالی تعاملات خانوادہ و مدر

چالش ها، الگوها و راهبردها

ISC
کتابخانه تخصصی
۰۲۲-۸۱۷۸۱

مهلت ارسال مقالات: ۱۴۰۲/۰۹/۳۰

دارو بزنه نمیتونه از نون خالی خودش بزنه میگه ولش کن حالا مدرسه نمیره روزها تو خونه کنار مادرش هست و ما بیشتر نگران این هستیم که دخترارو در بر میگیره، پسرا که آواره خیابون میشن، دخترا هم که هیچی.

۳.۱- کار کودکان

یکی دیگر از موضوعاتی که می توان ذیل مسائل اقتصادی آن را صورت بندی کرد، مساله کار کودکان در بخش های کشاورزی و در مناطق روستایی، عشایری و مناطق مرزی است. در اقتصاد کشاورزی کودک غالباً به عنوان یک نیروی کار دیده می شود. چرخه های زمانی برداشت و کاشت لزوماً با چرخه های زمانی تحصیل هم ارزی ندارند. برای مثال فصل چیدن خرما به ماه مهر کشیده می شود و در عمل کار کودک در نخلستان به تحصیل او اولویت زمانی دارد. بازماندن کودک از وارد شدن به مدرسه در مهرماه می تواند به کنار گذاشتن مدرسه نیز منجر شود. یکی از مسئولان استانداری کرمان می گوید:

«خرماچینی توی بم، میکشه توی مهرماه، بعد فرزندان خانواده هم خب، به هر حال عوامل اصلین، نون آور خانواده هستن، اینا میرن دنبال کار خرما چینی تا وقتی می شه ۱۷ و ۱۸ و ۲۰ مهر دیگه مدرسه نمیرن».

در سطح دیگر کار کودکان در اقتصاد کشاورزی نه لزوماً برای خانواده خود که به عنوان نیروی روزمزد است. این مسئله باعث می شود که از کودک به عنوان یک نیروی کار در باغات و مزارع استفاده شود و در عمل از تحصیل بازماند. این کودکان در بسیاری از موارد بخشی از هزینه های خانواده خود را تأمین می کنند. یکی از مسئولین استان کرمان می گوید:

ما گلخونه هایی داریم که خیار و گوجه و صیفی جات و ...، اینا کارگرهایی هستن که از هرمزگان و سیستان و بلوچستان وارد کرمان می شن، فصلی و توی کشت و کار همکاری دارن بعد خارج میشن همین ورود و خروج شون ... یکی از عوامل بازماندگی از تحصیل.

یکی از پرتکرارترین مسائل مرتبط با بازماندگی در برخی استانها همچون خوزستان به مسئله عشایر باز می گردد. ضرباهنگ زیستی عشایر با ضرباهنگ آموزش و معنای بوروکراتیک آن از اساس ناهمخوان است و این ناهمخوانی به نفع بازماندگی از تحصیل می چرخد. یکی از مسئولین آموزشی چنین می گوید:

در زاگرس جنوبی ما در دزفول یک مناطقی داریم مثل احمد هلاله که از اونجا تا خود دزفول ۸ ساعت راهه با ماشین های آن چنایی مثلاً با ماشین های دو دیفرانسیل. صعب العبوره. عشایر رو داریم. بخشی از بازمانده های از تحصیل عشایرند. شما کدوم معلم را دارید که می تونه با عشایر کوچ بکنه؟ این استان عشایریه، دانش آموزان عشایری را ما داریم. ما اصلاً یک معاونت داریم داخل آموزش و پرورش استان معاونت عشایر. این اون بخش لالی و دزفول و ایذه و دزدز و هویده به خاطر صعب العبوری منطقه است که بحث کودکان بازمانده است.

مسئله اقتصاد مرز نیز از عواملی است که به موضوع بازماندگی دامن می زند. اقتصاد مرز وقتی با بیکاری



ساختاری و ریشه دار در استان های مرزی مانند آذربایجان غربی تلاقی می کند بستری است برای بازماندگی از تحصیل. بیکاری ریشه دار و ایجاد فضای کاری در نتیجه قاچاق کالا و ارزش زدایی از تحصیلات بستری را فراهم می کند که مرزنشینی با بازماندگی از تحصیل قرین شود. یکی از مدیران آموزش و پرورش آذربایجان غربی چنین می گوید:

موضوع بعدی اینه که عدم آینده روشن برای کسانی که تحصیل می کنن هست. الان ما اینجا دانش آموز داریم که ترک تحصیل کرده، با هم کلاسی خودش، ایشون هنوز هم داره درس می خونه، اما ایشون ثروت چند میلیارد داره. طرف همکلاسی خودش که کنار هم می نشستن الان هنوز هم داره درس می خونه. رشته های کاذب به خصوص با درآمدهای کاذبی که در شهرهای مرزی هست متأسفانه این هم مزید بر علت می شه.

مرزنشینی صورت های دیگری از تحرک اقتصادی را بوجود می آورد که نسبت وثیقی با بازماندگی از تحصیل دارند. تحرکاتی که خود را در قالب مشاغل فصلی نشان می دهند. مشاغلی که در برخی از موارد مستلزم جابه جایی بین مرزها و ماندن در محل کار است. چند ماه یک سوی مرز و چند ماه سوی دیگر مرز. نفس این جابه جایی ها و مشاغل فصلی که نسبت وثیقی با اقلیم و سردسیر بودن نیز دارند موجب می شود که کودکانی که درگیر در این جابه جایی های مداوم هستند از تحصیل بازمانند. یکی از والدین چنین گفته است که:

من و پسر من تنها زندگی می کنیم، امروز اینجا هستیم. مثلاً یک هفته اینجایم، دو هفته مجبوریم بریم عراق، سه هفته می ریم مثلاً جوجه کشی تبریز. یه سال می ریم یه جای دیگه دو نفری. نه خورد و خوراک، نه غذایی، هیچی.

۲- مسائل فرهنگی

۱.۲- فرهنگ مردسالار و تبعیض جنسیتی

فرهنگ مردسالار و تبعیض جنسیتی علیه دختران به عنوان یکی از موانع عمده تحصیل در نظر گرفته شده است. ازدواج کودکان (دختران) مسئله ای است که نسبت وثیقی با فقر و حاشیه نشینی دارد و نظر به پیامدهای فرهنگی فقر و حاشیه نشینی نگرش های موجود نسبت به ادامه تحصیل دختران در چنین ساختارهایی به شدت جزم اندیشانه است. به عبارت دیگر تلاقی ساختارهای مردسالار با فقر نوعی از تبعیض نظام مند را علیه دختران بوجود می آورد که یکی از آنها بازماندن از تحصیل است. یک فعال سمن چنین می گوید:

«ما یه دختری داشتیم که معدل هرسالش بیست بود. توی دوره ی دبیرستان. هرسال بیست بود. و فقط بخاطر اینکه مادر نداشت، مادر بزرگه بزرگش کرده بود. مادر بزرگه یکبار سخته کرده بود. گفته بود می ترسم من بمیرم. زن عمو تو رو اذیت کنه. شوهرش دادن. ولی مثلاً برادر کوچیکش نه. اون الان داره دوره ی دبیرستان رو ادامه تحصیل میده.»

تعالی تعاملات خانواده و مدرسه

چالش ها، الگوها و راهبردها



مهلت ارسال مقالات: ۱۴۰۲/۰۹/۳۰

برداشت‌های مردسالارانه و مبتنی بر فهمی خاص از جایگاه دختر در نظام ارزشی خانواده‌ها در بسیاری از موارد روندی تبعیض آمیز دارد. یکی از فعالان سمن‌ها چنین می‌گوید:

یه عده شون از لحاظ فرهنگی خیلی سطحشون پایینه. میگن برای چی باید درس بخونن. دختر که درس نمیخونه. مخصوصا روی دخترها. دختر که نباید درس بخونه. چه معنی داره دختر درس بخونه. یه سری از بچه‌ها همون پایه دوم و سوم میرن بیرون. حتی همون سال اول که وارد مدرسه شدن. یکی میبینی نه. شش کلاسم خوندی خیلی خوب رفته جلو یهو شوهرش میدن.

این پدیده با بالا رفتن سن دختران و وارد شدنشان به مرحله بلوغ شدت بیشتری می‌گیرد. دختر بالغ سمبل ناموس و آبرو است و لذا جلوگیری از تحصیل او در مقاطع بالاتر شایع‌تر است. یکی از راهبران آموزشی در استان خوزستان چنین می‌گوید:

بینید بیشترین بازمانده از تحصیل و ترک تحصیل برای دخترانیه که به پایه ششم برسن و بخوان برن متوسطه. در اینجا ما شدیداً بازمانده از تحصیل داریم چون خانواده‌ها مقابله می‌کنند و جلوگیری می‌کنن از اینکه اینا بیان شهر درس بخونن. این بستر زمینه‌ساز پدیده ازدواج زودهنگام است. یکی از مسئولین بهزیستی استان خوزستان چنین می‌گوید:

دختره ی ۱۳ ساله رو میگن باید ازدواج کنه. خب معلومه که مشکلات ایجاد میشه. الان یکی از مشکلات ما توی همین حاشیه‌هایی که رفتیم، متاسفانه یه تبعیض هست بین جنسیت فرزندان دختر و پسر. پسر میتونه درس بخونه ولی دختر نه. مهم نیست که درس بخونه یا نه.

باورهای فرهنگی و کلیشه‌های جنسیتی و تعصبات جنسیتی در برخی مناطق به نحوی است که هرگونه اختلاط جنسیتی از جانب مردم تحمل نمی‌شود. یکی از این سطوح مسئله سرویس است. در طرح‌های روستا مرکزی، سرویس‌هایی برای دانش‌آموزان تهیه می‌شود که آن‌ها را به مدرسه برسانند اما بسیاری از خانواده‌ها راضی نیستند که دخترشان در یک سرویس کنار پسرها باشد. یکی از مدیران در استان آذربایجان غربی چنین می‌گوید:

روی هم رفته بافت فرهنگی هست، می‌گه دوست ندارم دخترم همراه دو تا پسر سوار یه ماشین بشن برن شهر. یا من برم در شهر براش خونه‌ای منزل بگیرم، خدا می‌دونه چه بلایی سرش می‌آد. بیشتر این آسیب‌ها هست تا اینکه بگیرم دختر آگه تو خونه بمونه کار می‌کنه. نه کار آن‌چنانی‌ای از دختر نمی‌کشن واقعیت.

۲.۲- ارزش زدودگی از تحصیل

زدوده شدن ارزش سواد و تحصیلات در بین خانواده‌ها نیز از مسائل فرهنگی است که بر بازماندگی موثر است. این باور عمومی که «درس خواندن فایده ندارد» بدل به یکی از پرتکرارترین گزاره‌ها در زندگی روزمره تبدیل شده است. بدیهی است در چنین فضایی خانواده‌های درگیر در فقر اقتصادی-فرهنگی به کار کودک ارزش بیشتری بدهند تا درس خواندن. یک فعال سازمان مردم‌نهاد می‌گوید:

تعالی تعاملات خانواده و مدرسه

چالش ها، الگوها و راهبردها



مهلت ارسال مقالات: ۱۴۰۲/۰۹/۳۰

اتفاقا همین امسال من دو تا خانواده داشتم که شدیداً مخالف بودن با درس خواندن بچه. هم مادر هم برادر. مددکار می فرستیم میرن بازدید. خود مددکار رایزنی میکنه، صحبت میکنه باهاشون داداشه اصلاً راضی نمیشد... میگن برای چی باید درس بخونن.

از این رو بسیاری از خانواده‌های آسیب دیده در عمل تحصیلات و درس خواندن را به عنوان راهی برای گریز از چرخه فقر و بیکاری نمی بینند و چه بسا تحصیلات حتی مانعی در راه بدست آوردن حداقلی از نیازها نیز باشد. پدیده کودک کار در این بستر قابل فهم است. ذهنیت منفی به تحصیل از یک سو محصول نظام آموزشی است. بسیاری از والدین که کودکانشان به نوعی درگیر در کار هستند و درآمدی دارند این ادعا را دارند که مدرسه وقت کودک را تلف می کند و چیز قابل عرضه ای هم به او یاد نمی دهد. از دیگر سو تعداد بالای فارغ التحصیلان بیکار تصویری از آینده تحصیل پیش روی افراد می گذارد که به شدت ضد تحصیل عمل می کند. فارغ التحصیل بیکار تصویری است متعین از آینده درس خواندن. این موضوع به خصوص در استان های مرزی به عنوان عامل مهمی در بازماندگی نقش ایفا می کند یکی از مدیران در استان آذربایجان چنین نقل می کند:

طرف دوست همکلاسی اش می گه من امشب رفتم مرز و برگشتم این قدر پول گیرم اومد. اون بچه دیگه با چه انگیزه ای درس بخونه. تازه حساب و کتابی هم می کنه می گه من بعد از اینکه خیلی خیلی عالی خوندم رتبه عالی هم آوردم، بهترین دانشگاه هم قبول شدم، لیسانس و فوق لیسانس هم گرفتم بعد باید بیاد اینجا بگه من فوق لیسانس من رو به عنوان یک خدمتگزار بگیرد. من داشتم فوق لیسانس فیزیک داشتم، خدمتگزار ... یا بوفه مدرسه را به من می دین؟ که من بوفه مدرسه را دادم.

۳.۲- هویت و اسناد هویتی

عدم برخورداری از اوراق هویتی به دلیل ازدواج های غیر ثبت شده و غیر رسمی یکی از دلایل اصلی بازماندن از تحصیل عنوان می شود. علی رغم اینکه آموزش و پرورش صدور کارت تحصیلی برای این کودکان را بلا مانع می داند اما بسیاری از مدیران و مدارس از ثبت نام این افراد امتناع می کنند. یکی از فعالان حقوق کودک چنین می گوید:

مهمترین علتی که ما توی شهرهایی مثل تهران باهاش مواجه هستیم، عدم برخورداری از اوراق هویتی هست. یعنی بچه هایی که شناسنامه ندارند. این شناسنامه نداشتن یک نشانه هست از اینکه این بچه ها رو توی خانوادشون خیلی جدی نگرفتن. حتی خانواده حاضر نشده بره برای بچه ش شناسنامه بگیره. انقدر ارزش قائل نبوده برای بچه که بره برایش شناسنامه بگیره... یا مثلاً مادر و پدر زندان بودن. مادر توی زندان بچه رو زاییده. بعد نرفته ثبت کنه. موارد مختلف داشتیم ما که بچه ها شناسنامه نداشتن. یا مثلاً یه چیز مصطلحی هست که میگن آتش سوزی شد و شناسنامه هامون توی آتش سوخت. و معمولاً خانواده هایی که میتونن برن المثنی بگیرن ولی ندارن دیگه.

این محور نشان می دهد که مسئله بازماندن از تحصیل برای کودکان متولد شده در نتیجه ازدواج های غیر رسمی و یا تولد در ساختارهای فرهنگی که به ثبت ازدواج تن نمی دهند نتیجه تعامل یک نظام فرهنگی غیر رسمی و طرد نظام مند ساختار رسمی است. الگویی که در اینجا قابل مشاهده است الگوی طرد سیستماتیک بازماندگان است. به

تعالی تعاملات خانوادہ و مدر

چالش ها، الگوها و راهبردها



مهلت ارسال مقالات: ۱۴۰۲/۰۹/۳۰



عبارت دیگر مکانیسمی ساختاری در کار است که از یک سو منجر به تولد کودکانی می شود که در نظم رسمی هویتی فاقد جایگاهی مشخص اند و از دیگر سو سیستم رسمی منتج از بوروکراسی فاقد قابلیت های درونی برای ادغام این افراد است. نتیجه مسئله اینجا است که پایین ترین سطح سلسله مراتب قدرت، یعنی کودک متولد شده، از نظم هنجاری به بیرون پرتاب می شود.

۴.۲- مهاجران و اقلیت های فرهنگی

مجموعه ای از اقلیت هایی هستند که در آمارهای بازماندگان و گزارش های سمن ها مدام بدانها ارجاع داده می شود بازماندگان مهاجر (که خواه ناخواه بخشی جدایی ناپذیر از نظام اجتماعی ایران هستند، ولو اینکه از نظر حقوقی ایرانی نباشند اما در عمل در میدان فرهنگی-اجتماعی ایران حضور دارند و کنش های آنها پیامدهایی در پی خواهد داشت)، و افرادی که به «کولی» یا «غربتی» معروفند. مصاحبه ها نشان می دهد که مکانیسم های طرد فرهنگی موجب می شود که مدیران مدارس میلی به ثبت نام این افراد (ولو با داشتن اوراق هویتی قانونی) نشان ندهند. کولی ها به عنوان یک گروه اجتماعی (که ایرانی نیز محسوب می شوند) در بسیاری از آسیب های اجتماعی حضور دارند و پاره فرهنگ خاصی را در درون خود تولید کرده اند که محصول طرد تاریخی آنها نیز هست. یکی از مدیران آموزش و پرورش در این خصوص می گوید:

خانواده های ما اعتراض کردن گفتن که تو رو خدا بغل بچه ی ما افغان نشون. درحالی که فوق العاده بهترن توی این حداقل زمینه های رفتاری نسبت به بچه های خودشون. عملا میگن و اینها عملا به خانواده انتقال میدن. میگن والدینمون ناراضین که شما اومدید. و بعد درمورد غربتی ها هم این هست.

بدین ترتیب با منطق برآمدن جزایری فرهنگی مواجهیم که ارزش ها و هنجارهای خاصی را در درون خود می پرورند که از منطق رایج و عرفی جامعه فاصله بسیار دارد. این گروه های اقلیت محور مهمی برای فهم بازماندگی از تحصیل هستند. فقدان آمار دقیقی که تقسیم بندی مشخصی از نسبت بازماندگی از تحصیل با گروه های قومی و هویتی بدهد موجب می شود که درک مشخصی از جایگاه این گروه ها و منطق بازماندگی از تحصیل نتوان بدست آورد اما تکرار اشاره به این گروه های اقلیت در مصاحبه ها نشان می دهد که با پدیده ای جدی مواجهیم.

۵.۲- دو زبانی

مسئله زبان در برخی از مناطق کشور از جمله استان های خوزستان و آذربایجان عاملی جدی در بازماندگی از تحصیل قلمداد می شود. مشاهدات میدانی در برخی استان ها نشان می دهد که حتی در زندگی روزمره نیز بسیاری از ساکنان در به کارگیری و فهم زبان فارسی دچار مسئله اند. برای مثال در خوزستان تجارب معلمانی که زبان عربی نمی دانند و در مناطق عرب نشین تدریس داشته اند گواهی است بر شکست فرایند آموزش به زبان فارسی.

تعالی تعاملات خانواده و مدرسه

چالش ها، الگوها و راهبردها



مهلت ارسال مقالات: ۱۴۰۲/۰۹/۳۰

دانش آموزان عرب در مواجهه با دروس مختلف میل و رغبت چندانی نشان نمی دهند و از فرایند آموزش بیرون می افتند. این پدیده در مصاحبه ها مورد تاکید قرار گرفته است. یکی از مسئولین اجتماعی در استان خوزستان چنین می گوید:

دوزبانه بودن در عرب ها خیلی بیشتره. چون بالاخره لرها هم فارسند و با یک لهجه ای حرف می زنن. اما عرب ها وقتی یک بچه ۶-۷ ساله هیچ فارسی بلد نیست بعد می ره به مدرسه ای که معلم فارسی صحبت می کنه و هیچ پیشینه ای هم از فارسی نداره، یکهوایی قفل می شه... خب اینها عرب زبان های ما در دروس عربی خودشون حاذقند.

این چرخه موجب بیرون افتادن دانش آموزان از چرخه آموزش می شود و عمل آموزش به زبان فارسی را با شکست مواجه می کند. نفهمیدن مطالب خود به خود به سوی مدرسه گریزی پیش می رود و در صورتی هم که مدرسه گریزی رخ ندهد توفیق تحصیلی چندانی نیز حاصل نمی شود.

مسئله زبان و آموزش مسئله ای عمیق و ریشه دار است. و یکی از عمده ترین بسترهای عدم موفقیت در تحصیل و در نتیجه ترک تحصیل است. یکی از معلمان در استان آذربایجان غربی چنین می گوید:

مثلاً من معلم ترک زبانم و می خوام به دانش آموز کرد زبان فارسی یاد بدم. شما باید این سه زبان رو با هم ترکیب کنید برای یک دانش آموز پایه اول ابتدایی. شش سالشه. خیلی وقت ها ما در فرایند آموزشی زبان خیلی وقت ها باید این را به زبان مادری تبدیل کنیم، ولی خب آسیب می بیند دانش آموز و معلم. اکثر مناطق هم ما هم در استان ما هم هست یعنی معلم کرد در مناطق ترک نشین این مسئله را دارد. این است که روی فرایند یادگیری تأثیر گذار هست. یعنی نمی تونیم بگیم باعث می شه دانش آموز بازمانده از تحصیل بشه. بیشتر افت تحصیلیه.

۳. خانواده آسیب زا

محور مورد تأکید دیگر مسئله خانواده های آسیب زا است؛ بدین معنا که الگوهای خانوادگی از هم گسیخته که درگیر در بحران هایی مانند بیکاری، اعتیاد، خشونت خانگی و... است مجموعه ای از کودکان کار را به بار می آورد که از تحصیل محروم اند. ساختار آشفته خانواده سلسله مراتبی از قدرت را پدید می آورد که کودک در این ساختار در معرض بیشترین انواع خشونت و طرد قرار می گیرد که یکی از آنها بازماندن از تحصیل است. در برخی موارد این ساختار موجب می شود که کودک به نیروی کار نیز بدل شود و در نتیجه بدل شدن به کودک کار در عمل از رفتن به مدرسه باز بماند.

۱.۳- اعتیاد

اعتیاد یکی از عوامل موجود در زنجیره علت های به هم پیوسته پدیده بازماندن از تحصیل است. اعتیاد خانواده از یک سو و اعتیاد خود کودک از دیگر سو. پدیده اعتیاد کودکان نیز به عنوان زمینه ساز بازماندگی از تحصیل ذکر شده است. گاه پیش می آید که برخی کودکان با اعتیاد به دنیا می آیند و در طول کودکی خود نیز مصرف مواد



دارند. در سطح دیگر برخی از کودکان به عنوان نیروی کار توزیع مواد مخدر مورد بهره‌کشی قرار می‌گیرند. این دسته از کودکان وارد چنان دنیای متفاوتی با کودکان هنجاری می‌شوند که در عمل مدرسه برایشان موضوعیت نخواهد داشت. یکی از فعالین سمن‌ها می‌گوید:

خب پدر معتاده. مادر معتاده. گفتن پدر مشکل جسمی داره. به پسر بچه ۱۱ ساله دارن گفتن اینو بفرستیم سرکار که منبع درآمدی داشته باشن. خیلی هم زیاده. خب اینها به بخش زیادیش باعث میشه بچه وارد چرخه‌ی تحصیل نشن.

درگیری کودکان با اعتیاد چه در قالب مصرف مواد و چه در قالب درگیر شدن در خرید و فروش مواد از بسترسازان بازماندن از تحصیل است و خود این پدیده در بستری کلان‌تر موضوعیت دارد. در مصاحبه با کارشناسان چنین بیان شده است:

به بخش دیگه‌ای از بچه‌ها، بچه‌هایی هستند که پدر و مادرشون به شدت درگیر اعتیاد و اصلاً تحصیل بچه‌ها جزو اولویت‌هاشون نیست. بچه‌ها باید برن کار کنن هزینه‌ی اعتیاد پدر و مادر رو تامین کنن و به دلیل حضور در فضای کار امکان مراجعه به مدرسه رو بچه‌ها ندارن. اینم به بخشی از بچه‌های محروم از تحصیلمونن.

۲.۳- کودک آزاری

در پدیده بازماندن از تحصیل، مسئله کودک آزاری یکی از پرتکرارترین موارد در گزارشات و مصاحبه‌ها است. کودک آزاری در خانواده و در مدرسه ممکن است رخ دهد. کودکی که در معرض خشونت خانگی است غالباً دچار اختلال در عملکرد تحصیلی می‌شود و چه بسا به سوی گریز از مدرسه نیز رهنمون شود. از دیگر سو منطق سوء رفتار علیه کودکان در درون مدرسه نیز می‌تواند زمینه‌ساز بازماندن از تحصیل شود. بحث کودک آزاری نسبت وثیقی با ساخت خانواده و مسئله فقر دارد. آنچه پرواضح است نبود فرایند و مکانیسمی مشخص برای بررسی سلامت روان کودکان و کنترل خشونت است. فعال حوزه کودک می‌گوید:

به بچه‌هایی داریم که به شدت تحت آزارن. یعنی رابطه‌ی بین کودک آزاری و محرومیت از تحصیل خیلی تنگاتنگه. بچه‌ای که فرض کنید باباش شیشه مصرف میکنه. شبا بچه رو آس و لاش میکنه. فردا که این بچه پانمیشه بره مدرسه. یعنی کودک آزاری خودش یکی از موانعه. حالا ممکنه به هفته نره مدرسه... ما اکثر بچه‌هامون در معرض کودک آزاری هستن. موارد حاد کودک آزاری داریم. این بچه‌ها مدرسه هم میرن. ولی مدرسه هیچگونه مداخله‌ای توی این زمینه تا حالا نکرده.

نظام مشخصی وجود ندارد که مدرسه و خانواده را به یکدیگر متصل کند. ارتباط مدرسه و خانواده در نهایت به جلسات اولیا و مربیان خلاصه می‌شود. مدیران و اولیای مدرسه در عمل به مسئله خشونت خانگی و کودک آزاری در خانواده وارد نمی‌شوند. اگرچه طبق قانون مدیران و معلمان می‌توانند مسئله را به مسئولین مربوطه گزارش کنند تا این

^۱ - وفق قانون‌های حمایت از کودکان و نوجوانان مصوب مجلس شورای اسلامی ۱۳۸۱ و قانون حمایت از اطفال و نوجوانان مصوب ۲۳/۰۲/۹۹



فراخوان مقاله:
نخستین همایش بین المللی

تعالی تعاملات خانوادہ و مدر

چالش ها، الگوها و راهبردها

ISC
کد اخراج: ۸۱۷۸۱-۷۲۲

مهلت ارسال مقالات: ۱۴۰۲/۰۹/۳۰

نهاد پیگیر مسئله بشود. اما در عمل به خاطر درگیر شدن مدیر و معلم در این فرایند و فقدان سیستم حمایتی مشخص (چه برای گزارش دهنده خشونت و چه برای قربانی آن) در عمل این مکانیسم ابر می ماند.

به جاهایی باید قانون و دولت وارد بشه برای حمایت. منه ان جی او نمیتونم شب بچه رو بیارم خونم بخوابونمش. تمام آسیبهایی که بچه رو تهدید میکنه بچه رو، شب توی خونه وارد میشه، دیگه من از دستم کاری برنمیاد. من باید دست به دامن بهزیستی و اورژانس اجتماعی بشم.

فقدان باز دیدهای خانوادگی و تلاش نظام مند برای نگه داشتن مسائل خانوادگی در درون خانواده تنها نوعی مکانیسم سرپوش گذاری بر خشونت را تقویت می کند. لذا مجموعه درهم تنیده ای از ساختارهای خرد و کلان در تعامل با یکدیگر قرار می گیرند و کودک آزاری را رؤیت ناپذیر می کند. آزار دیدگی کودک در عمل او را به سوی مجموعه ای از رفتارهای گریز سوق می دهد که از نتایج مستقیم آن بازماندن از تحصیل خواهد بود.

در جمع بندی، می توان عوامل خانوادگی موثر بر بازماندگی را در چند لایه تبیین کرد که این لایه ها به تنهایی و یا در تعامل با یکدیگر منتج به بازماندگی از تحصیل می شوند. فقر و نابرابری، مهاجرت و حاشیه نشینی به عنوان آغازگاه توضیح مسئله بازماندگی هر چند به عنوان بحران های ساختاری کلان هستند اما نتایج خود را در درون خانواده نشان می دهند. لایه دوم طیفی از مسائل تاریخی و نگرشی را در بر می گیرند که به صورت ساختارهای فرهنگی و ذهنی بادوام عمل می کنند. مانند فرهنگ مردسالار و تبعیض جنسیتی، مسئله هویت و گروه های اقلیت (نداشتن اوراق هویتی) و مهمترین لایه که در سطح خرد عمل می کند، الگوی زندگی در درون خانواده است. مسائلی از قبیل: ساختار خانوادگی آسیب زاء، درگیری کودکان با اعتیاد و کودک آزاری.

جدول شماره یک. مولفه ها و مصادیق عامل خانوادگی در بازماندگی از تحصیل

| مولفه ها | زیر مولفه ها | عامل خانوادگی |
|-----------------|---|---------------|
| مسائل اقتصادی | <ul style="list-style-type: none"> - سطح معیشتی خانواده - مهاجرت - کار کودکان | |
| مسائل فرهنگی | <ul style="list-style-type: none"> - فرهنگ مردسالار و تبعیض جنسیتی - ارزش زدودگی از تحصیل - اوراق هویتی - مهاجران و اقلیت های فرهنگی - دو زبانگی | |
| آسیب در خانواده | <ul style="list-style-type: none"> - اعتیاد - کودک آزاری | |

تعالی تعاملات خانواده و مدرسه

چالش ها، الگوها و راهبردها



مهلت ارسال مقالات: ۱۴۰۲/۰۹/۳۰



بحث و نتیجه گیری

بنابر تحقیقات متعدد از جمله نتایج این پژوهش، خانواده از جهات گوناگون در بازماندگی از تحصیل فرزندان موثر است. مسائل اقتصادی، مسائل فرهنگی خانواده و ساختار و ترکیب خانواده بر ترک تحصیل فرزندان موثر است. چنانچه پیشتر آمد امر تحصیل از دو ضلع خانواده و مدرسه، به عنوان عرضه کننده خدمات آموزشی، تاثیر می پذیرد و نقشی که مدرسه در کیفیت و کمیت آموزش ایفا می کند در پیشگیری و یا بازجذب بازماندگان از تحصیل حائز اهمیت است. به بیان دیگر، اگر چه در ایجاد و رفع بازماندگی از تحصیل عوامل متعدد در سطوح مختلف بازی گردان هستند اما مدرسه و خانواده به عنوان دو متغیر نزدیک به پیامد می توانند بستری برای رفع این معضل فراهم کنند به نحوی که مدرسه و تعامل آن با خانواده تبدیل به موثرترین ابزار در پیشگیری، جذب و بازجذب بازماندگان از تحصیل شوند. بر این اساس می توان برنامه هایی را پیشنهاد داد که مدرسه بدل به مهم ترین کانون رسیدگی و رفع این معضل شود. هر چند توفیق در اجرای این برنامه ها مستلزم بوجود آمدن سازوکارهای متعدد و همراهی و همکاری دستگاه های اجرایی مختلف است. برای مثال یکی از راهبردهای مهم که هم در سند «انستاد مبادی بی سوادی» و هم در «گزارش آموزش برای همه» مورد اشاره قرار گرفته است، شناسایی کودکان خارج از مدرسه است که این امر مستلزم همکاری آموزش و پرورش، ثبت احوال، مرکز آمار، وزارت رفاه و... است. برای عملیاتی کردن این مهم (تبدیل مدرسه به پایگاه مقابله با بازماندگی) می توان در چند گام و در قالب برنامه های زیر اقدام کرد:

۱- تقویت مدرسه برای توانمندسازی فرهنگیان

هدف از اجرای این برنامه تمرکز بر مدرسه و تبدیل به کانونی برای مقابله با بازماندگی از تحصیل است که در چند محور اجرا می شود.

الف) حساس کردن جامعه فرهنگیان نسبت به پدیده بازماندگی از تحصیل و نقش مهمی که در پیشگیری از این معضل می توانند ایفا کنند و همچنین تجهیز آنان به دانش و مهارت های لازم برای ایفای نقش موثر در این زمینه است. گام های اجرایی این برنامه عبارتند از:

- آگاه سازی مدیران، معلمان، مربیان سراسر کشور از وضعیت بازماندگی از تحصیل در کشور، تاثیر بازماندگی از تحصیل بر سرنوشت افراد در سطح خرد و توسعه کشور در سطح کلان
 - آگاه سازی مدیران و معلمان درباره قوانین و مقررات درباره بازماندگان از تحصیل
 - مهارت افزایی فرهنگیان در راستای شناسایی و برخورد با کودکان در معرض بازماندگی و خانواده هایشان
- ب) بوجود آوردن تغییراتی در شکل و محتوای مدرسه برای تبدیل آن به محلی امن و جذاب برای کودک و خانواده. مهم ترین اقداماتی که در این راستا می توان انجام داد عبارتند از:



- رنگ آمیزی مدارس و گسترش فضای سبز برای شاد و دلچسب کردن محیط
- ایجاد امکانات تفریحی، ورزشی و هنری
- برگزاری کلاس های جبرانی برای دانش آموزانی که دچار ضعف درسی هستند
- برگزاری کلاس های هنری- ورزشی جهت آشنا کردن کودکان با علائق و استعدادهايشان
- ایجاد فرصت مطالعه و یادگیری در مدرسه برای دانش آموزانی که پس از مدرسه فضای مناسب برای مطالعه و انجام تکالیف ندارند.

۲- حمایت از تحصیل

هدف از اجرای این برنامه، حمایت از خانواده و ارائه مشوق هایی برای تحصیل فرزندان و تسهیل امر تحصیل از طریق کمک های اقتصادی است.

- در نظر گرفتن یارانه تحصیلی برای دانش آموزان بویژه در مناطق محروم و همچنین دانش آموزانی که به علت ضعف اقتصادی خانواده در معرض بازماندگی از تحصیل قرار می گیرند
- توجه به مسئله مهم حمل و نقل در مناطق صعب العبور
- احیای طرح تغذیه رایگان به ویژه در مناطق محروم و کم برخوردار
- در نظر گرفتن مشوق هایی مانند لوازم التحریر، کفش و لباس برای دانش آموزان کم برخوردار

۳- ارتقاء آگاهی و نگرش خانواده ها

هدف این برنامه، باورمند شدن خانواده به اهمیت و ضرورت تحصیل فرزندان و تعهد به آن است. این مهم حاصل نمی شود مگر اینکه ارتباط خانواده و مدرسه تقویت شده و از خلال اقدامات مختلف تغییر باورها و رفتارهای خانواده هدف گرفته شوند.

- شناسایی مسائل تربیتی خانواده و تلاش برای حل مشکلات خانواده با بهره گیری از ظرفیت دستگاه ها و سازمان های دیگر مانند بهزیستی، نظام روان شناسی و مشاوره، وزارت ارشاد و فرهنگ اسلامی،
- آشنا کردن خانواده با ارزشمندی آموزش و نقشی که آموزش می تواند بر بهبود کیفیت زندگی داشته باشد از طریق برگزاری کارگاه در مدرسه و دعوت از افراد موفق با زمینه های اقتصادی- اجتماعی مشابه (به ویژه زنان موفق)، دعوت از ذی نفوذان فرهنگی، اجتماعی و مذهبی در منطقه و بهره مندی از ظرفیت های آنان برای ترغیب خانواده ها هم جهت مشارکت در برنامه ها و هم در جهت دسترسی به اهداف.



تعالی تعاملات خانوادہ و مدر

چالش، الگو، و راهبردها

فراخوان مقاله:
نخستین همایش بین المللی



مهلت ارسال مقالات: ۱۴۰۲/۰۹/۳۰

منابع

- آتشک، محمد (۱۳۸۸). بررسی تساوی جنسیتی در دسترسی به آموزش (پایه‌های دوره راهنمایی در مناطق شهری و روستایی استان‌های کشور)، مطالعات راهبردی زنان، سال یازدهم، شماره ۴۴، صص ۷۳-۱۱۰
- اقدسی، علی نقی و زینال فام، افسانه (۱۳۹۱). عوامل محیطی و اجتماعی موثر در ترک تحصیل (بازماندگان از تحصیل) دانش آموزان دختر دبیرستان‌های شهرستان میاندوآب در سال تحصیلی ۹۰-۸۹، فصلنامه علوم تربیتی، سال پنجم، شماره هفدهم.
- امجدیان، فیروز و صیدی، بهروز (۱۳۸۰). بررسی عوامل موثر در ترک تحصیل دانش آموزان دوره ابتدایی استان کرمانشاه در سال تحصیلی ۸۱-۸۰، شورای تحقیقات اداره کل آموزش و پرورش استان کرمانشاه.
- بلوچ زهی، عبدالغفار (۱۳۹۵). شناسایی عوامل موثر بر ترک تحصیل دانش آموزان دوره ابتدایی و ارائه راهکارهایی برای پیشگیری از آن در استان سیستان و بلوچستان، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشکده روانشناسی و علوم تربیتی دانشگاه علامه طباطبائی.
- داودی نومندان، عادل (۱۳۸۴). بررسی عوامل موثر بر ترک تحصیل دختران روستایی در دوره راهنمایی شهرستان جاسک، پژوهشکده تعلیم و تربیت، سازمان آموزش و پرورش استان هرمزگان.
- دشتی، محمد (۱۳۸۸). نقش عوامل محیطی موثر بر ترک تحصیل با تاکید بر سطح توسعه روستایی، پایان‌نامه، رشته جغرافیا، دانشگاه پیام نور مشهد.
- سپیدنامه، بهروز؛ مومنی، حسن و سلیمان نژاد، محمد (۱۳۹۵). شناسایی دلایل ترک تحصیل دانش آموزان مقطع ابتدایی منطقه آموزش و پرورش موسیان (نواحی روستایی)، توسعه محلی، دوره ۸، ش ۱.
- سیف، الله داد (۱۳۷۸). پایان نامه بررسی میزان و علل ترک تحصیل دانش آموزان کلاس پنجم ابتدایی بخش فیروزان از دیدگاه معلمان این پایه، همدان، مرکز ضمن خدمت فرهنگیان ابن سینا
- عارف نژاد، وحید (۱۳۹۵). بررسی موانع و شیوه‌های جذب کودکان بازمانده از تحصیل در مناطق روستایی و عشایری (یک تحقیق آمیخته)، مرکز پژوهش تعلیم و تربیت کاربردی تبریز، پژوهشگاه مطالعات آموزش و پرورش، سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی.
- عسگری، محمد؛ محقق، سلیمان (۱۳۸۲). طرح پژوهشی تحت عنوان: بررسی عوامل مرتبط با ترک تحصیل دانش آموزان دختر و پسر دوره راهنمایی منطقه فامنین از نظر دانش آموزان و دبیران، شورای تحقیقات سازمان آموزش و پرورش استان همدان



فراخوان مقاله:
نخستین همایش بین المللی

تعالی تعاملات خانواده و مدر

چالش های، الگوها و راهبردها

ISC
کتابخانه تخصصی
۰۲۲-۸۱۷۸۱

مهلت ارسال مقالات: ۱۴۰۲/۰۹/۳۰

- محمدی، فلوریا (۱۳۸۱). تعیین عوامل موثر در ترک تحصیل دانش آموزان دختر و پسر و تبیین آن در فرآیند توسعه شهر درچه، شهرستان خمینی شهر، استان اصفهان، دانشگاه صنعتی اصفهان، پایان نامه کارشناسی ارشد، به راهنمایی جواد میرمحمد صادقی، احمد خاتون آبادی
- محمودیان، حسین؛ امیری، محمد (۱۳۸۵). بررسی تاثیر مولفه های اجتماعی - جمعیتی خانواده ها بر محرومیت تحصیلی فرزندان در ایران، مجله علوم اجتماعی و انسانی دانشگاه شیراز، دوره ۲۵، شماره ۴ (پیاپی ۴۹)، صص ۱۸۴-۱۵۳
- مرکز آمار و اطلاعات راهبردی وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی (۱۳۹۶). چه تعدادی از کودکان لازم التعلیم کشور از تحصیل بازمانده اند؟
- مهران، گلنار (۱۳۷۵). بررسی علل ترک تحصیل دختران در منطقه خاورمیانه و شمال آفریقا و به ویژه ایران، فصلنامه تعلیم و تربیت، ش ۴۶
- یونسکو (۲۰۱۲). گزارش پایش جهانی آموزش برای همه، ترجمه سمانه مداح، تهران: دفتر منطقه ای یونسکو.
- Alexander, K. L., Entwisle, D. R., & Horsey, C. S. (1997). From First Grade Forward: Early Foundations of High School Dropout. *Sociology of Education*, 70, 87-107. <https://doi.org/10.2307/2673158>
- Ali Khan, Gulbaz., Muhammad Azhar and Syed Asghar Shah . (2011). Causes of Primary School Drop out Among Rural Girls in Pakistan. A publication of the Sustainable Development Policy Institute (SDPI). Available at: <https://www.sdpi.org/publications/files/W-119.pdf>.
- Astone, N. M., & McLanahan, S. S. (1991). Family Structure, Parental Practices and High School Completion. *American Sociological Review*, 56, 309-320. <https://doi.org/10.2307/2096106>
- Babalis, Th., Tsoli, K., Nikolopoulos, V., & Maniatis, P. (2014). The Effect of Divorce on School Performance and Behavior in Preschool Children in Greece: An Empirical Study of Teachers' Views. *Psychology*, 5, 20-26. <https://doi.org/10.4236/psych.2014.51005>
- Fan, X., & Chen, M. (2001). Parental Involvement and Students' Academic Achievement: A Meta-Analysis. *Educational Psychology Review*, 13, 1-22.
- Garnier, H. E., Stein, J. A., & Jacobs, J. A. (1997). The Process of Dropping Out of High School: A 19-Year Perspective. *American Educational Research Journal*, 34, 395-419. <https://doi.org/10.3102/00028312034002395>
- Iuliana Ioana, Merce, Milin Ioana Andaa, Petroman Corneliaa, Ciolac. & Ramona Mariana. (2015). School Dropout - A Social Problem in Romania. 4th WORLD



CONFERENCE ON EDUCATIONAL TECHNOLOGY RESEARCHES, Procedia - Social and Behavioral Sciences 182, 623 – 628.

- Justus, (2015). 6 Reasons – Why children in India drop out of school and become child labourers, available in <http://www.wvi.org/asia-pacific/article>.
- Kumar, Mukesh. (2017). Literature Survey on Educational Dropout Prediction. Prof. A.J. Singh Disha Handa. Education and Management Engineering, 2, 8-19.
- Osgood, D. W., Foster, E. M., & Courtney, M. E. (2010). Vulnerable Populations and the Transition to Adulthood. The Future of Children, 20, 209-229. <https://doi.org/10.1353/foc.0.0047>
- Rumberger, R. W. (2011). Dropping Out: Why Students Drop Out of High School and What Can Be Done about It. Cambridge, MA: Harvard University Press. <https://doi.org/10.4159/harvard.9780674063167>
- Rumberger, R. W., & Lim, S. A. (2008). Why Students Drop Out of School: A Review of 25 Years of Research. Santa Barbara, CA: California Dropout Research Project.
- Snyder, T. D., & Dillow, S. A. (2011). Status and Trends in the Education of Racial and Ethnic Groups. Digest of Education Statistics (NCES 2011), 373-410.
- Spera, C. (2005). A Review of the Relationship among Parenting Practices, Parenting Styles, and Adolescent School Achievement. Educational Psychological Review, 17, 125-146. <https://doi.org/10.1007/s10648-005-3950-1>
- Soenens, B., Sierens, E., Vansteenkiste, M., Goossens, L., & Dochy, F. (2012). Psychologically controlling teaching: Examining outcomes, antecedents and mediators. Journal of Educational Psychology, 104, 108 – 120.
- Stone, S. (2006). Correlates of Change in Student Reported Parent Involvement in Schooling: A New Look at the National Education Longitudinal
- Witte A, Kristof De., Sofie Cabus, Geert Thyssen, Wim Groot, Henriëtte Maassen van den Brink. (2013). A critical review of the literature on school dropout. Educational Research Review 10, 13–28.
- Xanthacou, Y., Babalis, Th., & Stavrou, N. (2013). The Role of Parental Involvement in Classroom Life in Greek Primary and Secondary Education. Psychology, 4, 118-123. <https://doi.org/10.4236/psych.2013.42017>